

# روزنامه‌نگاری در آموزش

کتاب ماه  
روزنامه‌نگاری

● محمد ایرانشهر



## از مدرسه برنخاست یک اهل دلی حافظ

در آموزش کلیه هنرها، دو قاعده وجود دارد: قاعده اول - هیچ قاعده‌ای وجود ندارد.

قاعده دوم - قاعده اول ممکن است دارای استثنائاتی باشد. اگرچه در آموزش هنرها به طور اعم و در آموزش کاریکاتور به طور اخص، ممکن است قواعدی وجود داشته باشد، ولی این قواعد، حکم راهنمایی‌هایی کلی را دارند که هنرجویان نباید نسبت به آنها تعبدی داشته باشند. هنر کاریکاتور، اساساً بر دگرگون‌سازی فرم‌های طبیعی استوار است، به طوری که می‌توان گفت که تغییر اشکال طبیعی یا دفرمه کردن "Deformation" در ذات کاریکاتور نهفته است. این دگرگون‌سازی می‌تواند تا حد تصاویر کوبیستی مانند کاریکاتورهای دیوید کاولس (David Cowles) (تصاویر شماره ۱) و یا حتی تصاویر آبستره مانند

دوین دایسون David Cowles - آدرنت ۱۹۸۰

شماره ۱

کاریکاتورهای تری آلن (Terry Allen) (تصاویر شماره ۲) پیش رود. حال که دگرگون‌سازی اشکال و اغراق در وجنات چهره و اعضای بدن، از عناصر اصلی کاریکاتور هستند، به راستی چه نیازی به آموختن آناتومی و پرسپکتیو و سایر قواعد طراحی واقع‌نگارانه است؟ البته همین پرسش را می‌توان در مورد سایر هنرهای تصویری نیز به گونه‌ای دیگر طرح کرد. همه هنرهای تصویری، به طور کلی بر پایه تخیل قرار دارند، بنابراین آیا آموزش قواعدی خشک مانند آناتومی و پرسپکتیو و حجم‌پردازی و غیره، به قدرت خیال‌پردازی هنرجویان لطمه نمی‌زند؟

تفکیک Terry Allen - آدرنت ۱۹۸۹

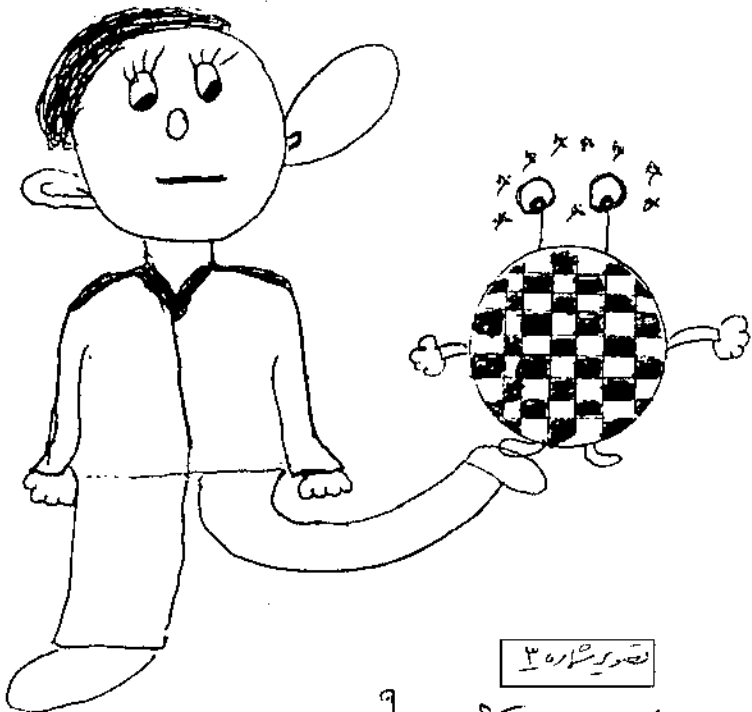
شماره ۲



در روش‌های رایج، آموزش کاریکاتور، معمولاً با قواعدی چون آناتومی شروع می‌شود و سپس به قواعدی در مورد حالات چشمان، لبان و وجنات چهره و اشکال سایر اندام‌های بدن می‌رسد. در تمام این مراحل، تلاش دانسته یا نادانسته مدرس آن است که هنرجویان را با قالب‌هایی که دیگران به وی انتقال داده‌اند و یا خود به آنها رسیده است، به سختی آشنا سازد. هنرجو ناگزیر باید ساعات زیادی را صرف تقلید از مدل یا طبیعت نماید تا در نهایت بتواند اندام انسان را به طور حفظی با رعایت اندازه کل بدن (۸ برابر سر)، اندازه دست (۳ برابر سر)، ساعد (۱/۵ برابر سر)، شانه (۲ برابر سر)، صورت (برابر با یک کف دست باز شده) و... طراحی کند. و در این راه چقدر زجر بکشد و بر ناتوانی خود بارها تقه بزند و خود را مرتبه‌ها سرزنش کند و دست آخر بعد از ماه‌ها و شاید هم سال‌ها ممارست، بالاخره خود را پیروزمند بداند که می‌تواند دست و پا و سر و تنه را به خوبی و با اندازه‌های معهود طراحی کند. البته در این میان نیز عده‌ای هم به مصداق این

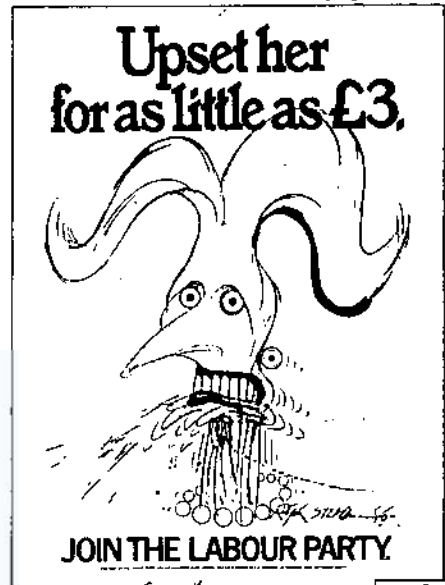


کتاب ماه  
روزنامه‌نگاری



تصویر شماره ۳

آزاده ایرامس ۹ ساله، تهران



تصویر شماره ۴ - رالف استدمن (ماترکوت ماسک)

مصراع حافظ: «که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل هاء» اساساً در یادگیری قواعد قراردادی ناکام می ماندند و از خیر کاریکاتور می گذرند و آن را برای همیشه می بوسند و کنار می گذارند! مگر در ذهن آن عده بیروز بر قواعد، همواره وحشت تمخطی از قوالب لایزال، دغدغه نمی آفرینند؟ و مگر همین دغدغه های احتمال انحراف از قوالب و معیارها، در تاریخ نانوشته ای از هنر، مزاحم خلاقیت هنرمندان تازه پا و سرنوشت محتوم هنرمندان قالبی کهنه کار نبوده است؟ اگر کودکی با روحیه ساده دلانه خود می تواند موضوعی طنزآمیز را با اشکال دگرگونه بچگانه خود بنماید (مانند تصاویر شماره ۳) چرا باید بر روحیه او لگام زد و با اصرار بر پیروی از قوالب، قدرت تخیل و خلاقیت کودکان را از وی ستاند؟ اگر جوانی با هزار امید و آرزو، در خود بارقه های طنز نگاری را می باید چرا باید او را ناگزیر ساخت که با آموختن قالب های ناکارآ، این بارقه های امیدبخش را خاموش سازد؟ با این رویه چگونه می توان انتظار پرورش کاریکاتوریست های بزرگ را داشت؟

گاهی به بزرگان کاریکاتور ایران و جهان بیفکنیم: به راستی چند درصد از آنان، چنین آموزش هایی قالبی را دیده اند و چند درصد، بر اساس اندیشه و احساس آزاد خود، راه را یافته اند؟ آیا می توان تصور کرد که بسک (Bosk) فرانسوی برای آنکه بسک شود، یعنی بتواند اشکال ساده ای از آدمیان را ترسیم کند، الزاماً از مسیر فراگیری آناتومی گذر کرده است؟ می توان حدس زد که رالف استدمن (Ralph Steadman)، کاریکاتوریست بزرگ انگلیسی، پس از فراگیری آموزش های مدرسی، باید با خود کلنجار فراوان می داشته تا آموزه های گرانجان را سرکوب کند و بتواند احساسات تند و خشن خود را در خطوط سریع، ساده و کج و معوج بنمایاند (تصاویر شماره ۴). به راستی استیون برادرز (Steven Brodner) توانایی در نمایش چهره های درب و داغون را خود تا چه حد و امدار آموزه های کلاسیک است؟ (تصاویر شماره ۵) یا فیلیپ برک (Philip Burke)، کاریکاتوریست رنگ پرداز هموطن او، در به هم ریختن چهره اندام شخصیت های خود، تا چه حد می بایست با آموزه های مزاحم قلبی خود بستیزد؟ (تصویر شماره ۶) مگر نه آنکه بنا بر گفته خودش، از نحوه طراحی و رنگ آمیزی بچه اش درس های بسیار آموخته است.<sup>(۱)</sup>

نگاهی به اثر برگزیده ورنیاک در نمایشگاه بین المللی سن ژوست لومارتل فرانسه در سال ۱۹۹۵ ردپای از قواعد رایج در آموزش کاریکاتور را به ما نشان نمی دهد (تصویر شماره ۷). سولو (Solo) کاریکاتوریست فرانسوی که در نوجوانی از مدرسه اخراج شد و در زمینه هنر نیز آموزشی رسمی ندید، این اقبال را یافت که یکی از چهره پردازان طنزنگار بزرگ معاصر شود.<sup>(۲)</sup> (تصویر شماره ۸) وی در کاریکاتور چهره، همواره ساده سازی هر چه بیشتر را دنبال می کند و هدفش آن است که کارش را به سطحی برساند که فقط برگ سفیدی باشد، به طوری که بیننده بپرسد: سولو چهره چه کسی را ترسیم کرده است.<sup>(۳)</sup> هانوک پایون (Hanoch Piven)، کاریکاتور جسی کسون را با استفاده از بلندگوی رادیو (به جای دهان) و بیج های



تصویر شماره ۵ - استیون برادرز Steven Brodner از سریال کودکان



تصویر شماره ۶



تصویر شماره ۱  
تصویر شماره ۲  
تصویر شماره ۳  
تصویر شماره ۴  
تصویر شماره ۵  
تصویر شماره ۶  
تصویر شماره ۷  
تصویر شماره ۸  
تصویر شماره ۹  
تصویر شماره ۱۰



رادپو (به جای چشمان) ترسیم کرده است (تصویر شماره ۹) و با این کلاژ خود، ضمن درهم ریختن قالب‌های مرسوم، خواسته است مهارت‌های سخنورانه شخصیت جکسون را به طنز نشان دهد. استیفن کرونینگر (Stephen Kroninger) دیگر کاریکاتوریست بزرگی است که خود را از قالب طراحی مرسوم رها کرده و با پیوند انواع عکس و کاغذ، چهره شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و هنری را به طنز کشیده است (تصویر شماره ۱۰).

حتی اگر از حوزه هنر دگرگونگر کاریکاتور با به عرصه هنر نقاشی بگذاریم می‌بینیم که بخش عمده‌ای از هنر گذشته و نوین مللی، همه در تخطی از بازنمایی صرف طبیعت، به سر رفته است. از همه آشناتر برای ما، هنر نگارگری ایرانی است که هیچ‌گاه و به هیچ وجه در پی شبیه‌سازی نبوده است. (۱) کاملاً بعید می‌نماید که نقاشان قدیم ایرانی، ابتدا ناگزیر بوده‌اند از طبیعت و موجودات زنده تقلید کنند و آنگاه اشکال آنها را تغییر دهند. نگارگر ایرانی، به طور حتم برای خلق طرح‌های غیرطبیعی خود، در پی تقلید دقیق از طبیعت است و بنابراین ناگزیر از فراگیری و تمرین آناتومی و پرسپکتیو و حجم‌پردازی نبوده است. البته می‌توان تصور کرد که آن نقاشان بزرگ حرکات انسان و سایر موجودات را به خوبی می‌دیده‌اند و ناتوان از بازنمایی دقیق آنها نیز نبوده‌اند؛ ولی آنان طبعاً همان چیزی را می‌آموخته‌اند که قرار بود ترسیم کنند.

باری کاریکاتور با کودکان زاده می‌شود و در درون کودک آدمی می‌شکفتد و در ساده‌دلی کودکی می‌بالد، پس بگذاریم که کاریکاتور نگاران بزرگ آینده، بر کنار از مزاحمت‌های آموزه‌های گرانجان، به درستی بشکفتند و به



SACHA GuITRY



تصویر شماره ۸  
سوکو

« LES GRINCHEUX »



تصویر شماره ۲  
دزنیانک

خوبی بیایند.

آثار قلمی نگارنده:

۱- مقاله «نوگرایی در کاریکاتور چهره در سده بیستم» عرضه شده در پنجمین همایش بین‌المللی کاریکاتور، موزه هنرهای معاصر، پاییز ۱۳۷۸.

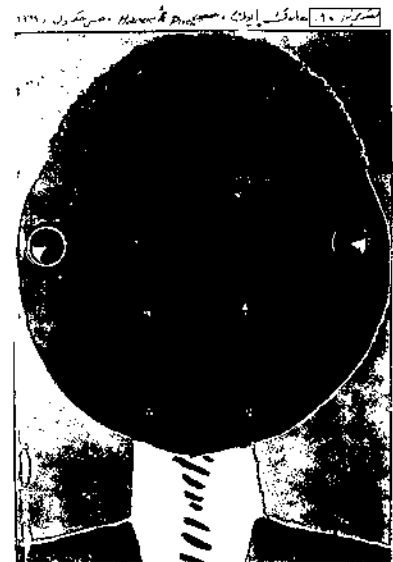
۲- مقاله «الزوم بازنگری در آموزش طراحی»، اولین همایش طراحی، موزه هنرهای معاصر، ۱۳۷۸.

۳- سیر تاریخ نقاشی ایرانی (ترجمه کتاب: Persian Miniature Painting) مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷ و ۱۳۷۸.

۴- ترجمه مقالاتی از کتاب پروفیسور پوپ در مورد هنرهای نگارگری و تذهیب و تشعیر.



تصویر شماره ۶  
دزنیانک



تصویر شماره ۱۰  
امدادکتاب ایران، مجله هنر و فرهنگ، زمستان ۱۳۹۷

مجموعه آثار  
 دکتر سید علی حسینی  
 کتاب ماه  
 ویژه دانش آموزان

۵- ترجمه و تألیف دو کتاب در زمینه گرافیک .

بی نویس ها:

1- Communication Arts , Sep.- Oct., California, U.S.A, 1992, P. 67.

2-3 Szabo. Joe. Avisit with Solo, Witty World, International Cartoon Magazine, No.14 , 1992, PP. 15-19.

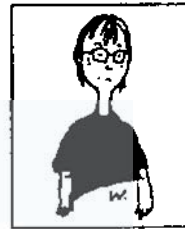
۴- سیر تاریخ نقاشی ایرانی ، ترجمه محمدایرانش ، مؤسسه انتشارات امیرکبیر ، مقدمه ، ۱۳۷۸ (چاپ دوم) .  
 ۵- بگذریم از نگارگری دوره صفویه که با تأسی از هنر کلاسیک غرب ، به تدریج به راه تقلید از طبیعت افتاد و تاوان سنگین آن را نیز پرداخت : مینیاتور خشک و بی روح گورکانیان هند و مینیاتور فاجعه آمیز امروز ایرانی ، که هیچ کدام و به هیچ وجه فضای خیال انگیز و دلنشین نگارگری گذشته ایرانی را دیگر تداعی نمی کنند .

E



SACHA GUITRY

« LES GRINCHEUX »



نصرت کراره ۷۰  
 ورساگر

